

فصلنامه مطالعات خاورمیانه

۴۴

سال بیست و پنجم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، تک شماره ۳۰۰۰۰۰ ریال

فصلنامه مطالعات خاورمیانه ۴۴

برسازی هویت صهیونیستی نمونه پژوهی: یهودا امیخای

تبیین سیاست خارجی قطر در قبال بحران سوریه (۲۰۱۷ - ۲۰۱۱)

موازنه سعودی - آمریکایی در برابر جمهوری اسلامی ایران؛
هژمون بالقوه و بالفعل منطقه خلیج فارس

آمریکا، کردها و جنگ نیابتی بر علیه داعش در سوریه

بررسی سیاست خارجی روسیه در قبال مصر پس از کودتای السیسی (۲۰۱۶-۲۰۱۳)

آینده فدرالیسم در عراق و سوریه و تاثیرات آن بر منافع راهبردی ایران
در خاورمیانه

MIDDLE EAST STUDIES QUARTERLY

94

Vol. 25, No. 4 Winter 2019

94 MIDDLE EAST STUDIES QUARTERLY

Constructing the Identity of Zionism: Case Study on Yehuda Amichai

Explaining Qatar's Foreign Policy Towards the Syrian Crisis (2011-2017)

Saudi-American Balance Against the Islamic Republic of Iran;
A Potential and Actual Hegemon in the Persian Gulf Region

The United States, the Kurds, and Proxy Warfare Against
ISIL in Syria

A Study of Russian Foreign Policy Towards Egypt Following
Al-Sisi's Coup (2013-2016)

The Future of Federalism in Iraq and Syria and Its Implications for
Iran's Strategic Interests in the Middle East



تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۶

ناصر پورحسن^۱

طاهره گودرزی^۲

عبدالله کریم زاده^۳

چکیده

صهیونیسم سیاسی برآیند مجموعه‌ای از تحولات فکری و سیاسی اروپا در قرن نوزدهم و بیستم است. عرصه ادبیات به‌ویژه شعر در تبدیل صهیونیسم مذهبی به صهیونیسم سیاسی جایگاه ویژه‌ای دارد. تاکنون درباره برخی شاعران فلسطینی پژوهش‌هایی انجام شده است؛ اما جایگاه شاعران در تولید و تثبیت صهیونیسم سیاسی مورد توجه قرار نگرفته است. با توجه به اینکه صهیونیسم سیاسی با اشغال سرزمین فلسطین، بسیاری از تحولات جهان اسلام و به‌ویژه خاورمیانه را طی چندین دهه اخیر، تحت تاثیر خود قرار داده است؛ از این رو شناخت عمیق این نظریه سیاسی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در این راستا این مقاله چگونگی برسازی هویت مدرن صهیونیستی توسط یهودا عمیخای - معروف‌ترین و پرمخاطب‌ترین شاعر ادبیات عبری را مورد پرسش قرار داده است. پاسخ اولیه به سوال مذکور با ترکیبی از سه نظریه «هستی‌شناسی بنیادی»، «دیالکتیک سکون» و «فرشته تاریخ» اینگونه صورت‌بندی شده است: عمیخای با انقلاب در شعر عبری هستی تاریخی یهودی را در آثار ادبی خود بازتولید کرد و با پیوند گذشته با حال و آینده جوامع یهودی، در عرصه ملت‌سازی به برسازی پروژه صهیونیسم سیاسی کمک کرده است. این فرضیه با خوانش بخش عمده اشعار عمیخای و گزینش و تحلیل برخی از آنها به شیوه توصیفی - انتقادی پردازش می‌شود. نتیجه پردازش فرضیه نشان می‌دهد که عمیخای در عرصه ادبی بیش از هر متفکر دیگری در بازتولید و تثبیت صهیونیسم سیاسی و خلق هویت صهیونیستی نقش ایفا کرده است.

واژگان کلیدی: یهودا عمیخای، صهیونیسم سیاسی، شعر عبری، فراموشی هستی، دیالکتیک سکون،

فرشته تاریخ.

n.pourhassan1303@gmail.com

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی.

۲. دکتری ادبیات عرب از دانشگاه تهران.

۳. دکتری ادبیات تطبیقی و استاد مدعو دانشگاه تویینگن.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۴

سیدعلی نجات ۱

محمد اولیایی ۲

بهزاد نبیانی ۳

چکیده

سوریه که تا پایان سال ۲۰۱۰ میلادی از کشورهای باثبات و تاثیرگذار در منطقه خاورمیانه به‌شمار می‌رفت؛ از ابتدای سال ۲۰۱۱ به یکی از بی‌ثبات‌ترین، رخنه‌پذیرترین و محوری‌ترین کانون‌های کشمکش و رقابت منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. بحران سوریه به دلیل کثرت و تنوع بازیگران تاثیرگذار در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی به یکی از غامض‌ترین و پیچیده‌ترین بحران‌های خاورمیانه از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون تبدیل شده است. یکی از بازیگران منطقه‌ای تاثیرگذار و از طرف‌های عمده کشاکش در بحران سوریه، قطر است. سیاست خارجی قطر در قبال ناآرامی‌های داخلی سوریه در ابتدا غیرشفاف و نامعلوم بود؛ به‌طوری که در ابتدا از فعالیت‌های خشونت‌آمیز و تظاهرات اعتراض‌آمیز سوریه‌ها ناراضی بود و در کنار بشار اسد ایستاد؛ اما دوحه بعد از مدتی سیاست خود را تغییر داد و علیه بشار اسد موضع گرفت و به پشتیبانی از مخالفین نظام پرداخت. مقاله حاضر با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای درصدد پاسخ به این پرسش است که چرا قطر در قبال بحران سوریه سیاست خارجی تهاجمی را اتخاذ کرده است؟ فرضیه پژوهش این است که قطر با هدف افزایش قدرت خود در سطح منطقه‌ای و برجسته‌سازی تصویر و نقش خود در سطح بین‌المللی، رهیافت تهاجمی را در سیاست خارجی خود نسبت به بحران سوریه اتخاذ نموده است.

واژگان کلیدی: بحران سوریه، قطر، قدرت منطقه‌ای، سیاست خارجی، اخوان المسلمین.

Sanejat@yahoo.com

۱. پژوهشگر مهمان مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

۲. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد.

۳. کارشناس ارشد روابط بین‌الملل از دانشگاه خوارزمی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۶

سیدسعید حسن‌زاده^۱

مهناز گودرزی^۲

چکیده

خلیج فارس منطقه‌ای حیاتی، استراتژیکی و کانون مسئله امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی است، بنابراین همواره از اعتبار کلیدی در پهنه سیاست خارجی آمریکا برخوردار بوده است. بعد از انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران، آمریکا به‌منظور تامین منافع خود از طریق نهادینه‌سازی ارزش‌ها، الگوها و قالب‌های مورد نظر خود در منطقه، به همکاری بیشتر با متحد استراتژیک خود عربستان سعودی روی آورد. این مقاله با استفاده از چارچوب نظری رئالیست تهاجمی، مبتنی بر این اصل است که در نظام بین‌الملل، قدرت‌های بزرگ نه‌تنها به فکر افزایش قدرت و امنیت خود هستند، بلکه همواره به دنبال کنترل متخاصمان نیز می‌باشند. در این حوزه آمریکا نیز در بسیاری از موارد مبنای کنترل خود را بر اساس چارچوب احاله مسئولیت انجام می‌دهد. به‌همین دلیل برای کنترل ایران به‌عنوان قدرت در حال رشد در منطقه خاورمیانه و بالاخص منطقه خلیج‌فارس، از راهبرد موازنه سعودی-آمریکایی بهره می‌برد. حال سوال اصلی این است که آمریکا در مقاطع مختلف چگونه از این راهبرد استفاده کرده است و این راهبرد چه تاثیری بر امنیت منطقه خلیج‌فارس گذاشته است؟ باتوجه به یافته‌های مقاله، موازنه سعودی-آمریکایی در سه مقطع زمانی مورد بررسی قرار گرفته است، به جز دوره میانی (موازنه سعودی-آمریکایی بعد از یازدهم سپتامبر). این راهبرد با شیوه‌های جدید توسط آمریکا و همکاری عربستان سعودی در منطقه در حال اجرا شدن است. در نتیجه این راهبرد بیش از گذشته باعث تعمیق افتراق و عدم همکاری در میان کشورهای منطقه خواهد شد.

واژگان کلیدی: خلیج فارس، رئالیسم تهاجمی، راهبرد احاله مسئولیت، موازنه قوا، جمهوری اسلامی ایران.

hassanzadeh.saied@yahoo.com

mahnaz.godarzy@gmail.com

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان.

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان.

کامران طارمی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۱۵

چکیده

مطرح شدن دکترین اوپاما روابط خارجی آمریکا را دگرگون ساخت. یکی از عرصه‌هایی که این دگرگونی به خوبی در آن قابل رویت است، رویکرد آمریکا نسبت به نحوه مبارزه با تروریسم تکفیری است. به منظور تجزیه و تحلیل چگونگی این دگرگونی، این نوشتار به بررسی پیامدهای دکترین اوپاما برای سرکوب داعش در سوریه می‌پردازد. تلاش بر آن است تا نشان داده شود که دکترین اوپاما باعث شد تا آمریکا راهبرد دخالت مستقیم نظامی بر علیه تروریسم تکفیری را که در زمان بوش پسر اتخاذ شده بود کنار گذاشته و به گزینه جنگ نیابتی و یا به عبارت دیگر دخالت غیر مستقیم متوسل گردد. براساس این راهبرد نوین دولت آمریکا بار اصلی سرکوب گروه‌های تروریستی تکفیری را بر عهده متحدین محلی خود می‌گذاشت و خود عمدتاً به پشتیبانی از تلاش‌های آنها اکتفا می‌کرد. هدف آن بود که این رویکرد ضمن شکست دشمن، آمریکا را از تحمل هزینه‌های سنگین جانی و مالی جنگ نیز مصون بدارد. نظر به برچیده شدن بخش اعظم دستگاه خلافت از خاک سوریه در دوران تصدی اوپاما با هزینه‌های جانی و مالی اندک، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که این استراتژی با توفیق قابل قبولی در سوریه روبه‌رو شد. به همین علت دونالد ترامپ جانشین اوپاما نیز به همین راهبرد در سوریه پایبند مانده است.

واژگان کلیدی: داعش، آمریکا، سوریه، کردها، جنگ نیابتی، نیروهای دموکراتیک سوریه، نایب، حامی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۶

محمد رضا دهشیری ۱

سید احمد رضا فیاضی ۲

چکیده

در سال‌های گذشته تغییرات و تحولات گسترده‌ای را در مصر شاهد بوده‌ایم که این تحولات فراتر از مصر و منطقه خاورمیانه، در ابعاد بین‌المللی قدرت‌های بزرگ را نیز مشغول به خود کرد. پس از ناکامی اسلام‌گرایان و شکست مرسى در کمتر از یک سال و روی کار آمدن ژنرال السیسی، روسیه از این تحولات استقبال کرده و شرایط را برای تجدید روابط سیاسی، نظامی و اقتصادی مناسب دیده است بر همین اساس شاهد افزایش تحرکات روسیه در این کشور هستیم. حال باتوجه به این موارد سوالی که نگارندگان پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با بکارگیری نظریه واقع‌گرایی تدافعی درصدد پاسخ به چرایی آن برآمده‌اند این است که سیاست خارجی روسیه در قبال مصر پس از روی کار آمدن السیسی چگونه بوده است و روسیه چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ طبق نتایج پژوهش حاضر روسیه پس از کودتای السیسی درصدد بهره‌برداری از تحولات مصر در جهت اهداف و منافع ملی خود بوده است و سیاست خارجی روسیه در مصر بر مبنای همکاری و ائتلاف با شریک قدیمی و راهبردی و تقویت روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی با مصر در دوران السیسی می‌باشد.

واژگان کلیدی: کودتای السیسی، روسیه، آمریکا، مصر، سیاست خارجی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۴

ابراهیم طاهری ۱

علیرضا شاطری ۲

چکیده

پرسش اصلی این پژوهش این است که آینده فدرالیسم در عراق و سوریه چه پیامدهایی بر منافع راهبردی ایران در خاورمیانه خواهد داشت؟ در پاسخ می‌توان مطرح کرد؛ ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای دارای منافع چون حضور راهبردی در منطقه شامات برای مهار اسرائیل، تلاش برای صادرات گاز از مسیر خاورمیانه به اروپا، جلوگیری از سرایت جنبش کردی به درون مرزهای خویش و ممانعت از دسترسی ترکیه به بازارها، منابع انرژی خلیج فارس یعنی نفت و گاز است؛ بنابراین استقلال احتمالی کردستان عراق جایگاه ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه را به خطر انداخته و رقبای منطقه‌ای ایران از جمله ترکیه را به تعیین‌کننده امور در نظم منطقه‌ای تبدیل خواهد کرد. هدف این پژوهش بررسی آینده استقلال کردستان عراق و تأثیر آن بر منافع راهبردی ایران در خاورمیانه با استفاده از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: ایران، عراق، سوریه، فدرالیسم، منطقه، خاورمیانه.

etaheri@yazd.ac.ir

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه یزد.

۲. کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، گرایش خاورمیانه.